

بیانات امام خمینی در جمع بانوان مکتب ولی عصر...  
تاریخ: ۵۸/۴/۱۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**نقش عظیم تعلیم و تربیت در رشد معنوی انسان**  
رخسود من امیدوارم که همه خواهرها و برادرها و همه قشرهای این ملت و همه ما از خیدمتگزاران به اسلام و ولی عصر سلام الله علیه باشیم.  
ما در یک مملکتی هستیم که مملکت ولی عصر است و وظیفه آنهاست که در مملکت ولی عصر زندگی می کنند، یک وظیفه سنگین است. نمی توانیم ما لفظاً بگوئیم ما در زیر پرچم ولی عصر سلام الله علیه هستیم و عملاً نوری آن مسیر نباشیم، چنانچه نمی توانیم بگوئیم که ما جمهوری اسلامی داریم و عملاً منظور نباشیم، اسلامی نباشیم، شما که به نام مقدس ولی امر یک گروه متشکلی تشکیل داده اید و زحمت می کشید و خدمت می کنید و احکام اسلام را ترویج می کنید و تعلیم و تربیت می کنید، تعلیم باید پهلوش تربیت باشد، تربیت صحیح، تربیت اسلامی. اگر تعلیم تنها باشد بی تربیت، فایده ندارد بلکه گاهی مضر است، تربیت بی تعلیم هم نمی شود، به نتیجه نمی رسد. این دو تا باید با هم باشند، تنوأم باشند، تعلیم و تربیت. انسان یک موجودی است که با تعلیم و تربیت رشد می کند، یک رشد نباتی و حیوانی انسان دارد که با نباتات و با حیوانات شیریک است، همه با هم، این قافله حرکت دارند می کنند، انسان هم یکی از آنهاست، یک نباتی است اول و بعد یک حیوانی مثل سایر حیوانات است و تا سرحد حیوانیت با حیوانات شیریک است، چنانچه تا سرحد نباتات با نباتات شیریک است، یک موجودی است که هم نبات است و هم حیوان و تا سرحد حیوانیت با همه حیوانات شرکت دارد و از آنجا راهش جلو تر می رود، حیوانات با انسان شرکت دارند در همین امور مادی، همان خوردن و خوابیدن و تولید مثل کردن، همه حیوانات همینند، انسان هم اگر همین باشد، حیوانی است مثل سایر حیوانات و لو اینکه خوراکش با او فرق داشته باشد، حیوانات هم بعضی شان با بعضی خوراکشان فرق دارد، یکی گوشتخوار است، یکی علفخوار است و انسان هم جزء آنهاست که علفخوار است منتها حالا گوشتخوار هم شده، اگر انسان تربیت و تعلیم نداشته باشد توأم با هم، در همین حد حیوانیت بناقی می ماند و انسان از سایر حیوانات اگر آن تربیت و تعلیم نباشد، بدتر است، اگر تعلیم و تربیت نباشد

## شعاع آمال و آرزوها و شهوات انسان نامحدود است

حیوانات حدود شعاع فعالیتشان خیلی محدود است و حدود تجاوز و تعدیشان هم محدود است. یک طعمه‌ای گیر می‌آورد و می‌خورد و دیگر ذخیره نمی‌کند الا بعضی‌شان و همان وقتی که سیر شد می‌رود سراغ کارش می‌خواهد. انسان یعنی این حیوانی که حالا نرسیده به حد انسانیت، این حیوان، این قسم از حیوان که ما اسمش را انسان می‌گذاریم برای اینکه بعدها ممکن است انسان بشود، این هیچ حدی ندارد، نه در شهوت حد دارد و نه در آمال و آرزوهایی که باید باشد حد دارد. شما اگر فرض کنید برای یک انسانی، یکی از همین‌ها، ابتدائاً خودش خیال می‌کند که من اگر یک خانه خوبی داشتم بس بود. وقتی به خانه می‌رسد، می‌بیند بس نیست، خوب یک باغی هم پهلوی آن خانه بود بس بود. به باغ رسید می‌بیند بس نیست، یک مزرعه‌ای داشتیم، خوب، بد نبود: به مزرعه هم می‌رسد، یک دهکده خوب بود داشته باشیم، به آن می‌رسد. هر چه بالا می‌رود زینادتر می‌شود، ابتدائاً یک چیز مختصری می‌خواست، هر چه بالاتر رفت، زیادتر می‌شود، طمعش زیادتر می‌شود، آرزوش زیادتر می‌شود. اینهایی که یک مملکت دارند، می‌بینند که می‌روند دنبال یک مملکت دیگر، مملکت‌گیری می‌کنند. اگر همه ممالک دنیا را یک انسانی بگیرد، آنوقت به فکر می‌افتد برود کره ماه، برود آنجا را هم بگیرد، بعد به فکر می‌افتد برود کره مریخ، آنجا را هم بگیرد، بعد می‌رود سراغ جاهای دیگر. آخر ندارد، این یک موجودی است که خدا اینطور خلقت کرده است که در حد حیوانیت، یعنی همان‌هائی که حیوان می‌خواست این زیادترش را دارد، حدود هم ندارد. حیوانات در یک وقت خاصی شهوت دارند، در وقتی که وقت حمله است، وقتی است که می‌خواهند تولید مثل بکنند، در سابقش آنطورها نیستند. انسان اینجور نیست، انسان شهوتش هم حد ندارد، نه حدود دارد و نه یک‌طور خاصی که غیر از آنطوری که انبیا آمده‌اند محدودش کردند. به حدودی، انسان هیچ این حرف‌ها ندارد، با آن بهترین محارم هم فرق نمی‌کند پیشش با او، دخترش با اجنبی فرق ندارد پیش او. یک همچو حیوانی است، در هر چیز نامحدود است. شما یک موجود نامحدود هستید. اگر این نامحدودی در طریقت حیوانیت صرف شد، یک حیوان نامحدود، یک حیوانی که با سایر حیوانات فرق دارد، حیوانات دیگر شهواتشان محدود است، آمالشان محدود است، این انسان نامحدود است، اگر به همین حال حیوانیت باشد و دنبال همین کارهای حیوانی، دنبال همین شهوات، دنبال همین آمال و آرزوهای حیوانی که همه این آمال و آرزوهائی که مربوط به طبیعت است، تمام آمال و آرزوهائی که مربوط به امور طبیعی است، حیوانی است، اگر به این حد باقی بماند این تا آخر حیوان است، اینجا صورتش، صورت انسان است وقتی این برده برگشت و آن عالم پیدا شد، صورتش هم یک صورت دیگر می‌شود. همچو نیست که به صورت انسانیت آنجا محسوس بشود، اگر انسان اینجا شد، آنجا انسان است، اگر کسی در اینجا توانست خودش را انسان بکند، آنجا که برود، آنجا انسانیتش به طور کمال و آنطوری که چشم‌های این عالم نمی‌تواند او را ببیند، به طور کمال در آنجا تحقق پیدا می‌کند و اگر چنانچه نتواند این کار را بکند، مهار را رها کند، خوب بسیاری هستند که مهار ندارند، رها هستند، آزادند، این آزادی که غربی‌ها

می خواهند همین است، آزادند، هر چه می خواهند، هر کاری می خواهند بکنند، ظلم بکنند آزاد است، شهوات غیر مشروع، آزاد است، بدگوئی به هر کس، آزاد است، قلمفرسائی به ضد هر کس، آزاد است. اگر این آزادی که همین غیر محدود بودن این قسم حیوان، غیر محدود بودن این قسم حیوان، این جدی ندارد برای خودش، آزادی را حدی قائل نیست، هر جا جلو برود باز در این آزادی می خواهد جلو تر برود. این آزادی را در این دنیا محدود کرده اند، در این دنیا محدود کرده اند، در این دنیا محدود کرده اند. نیاز انسان به هدایت انبیا در پیمودن مسیر کمال و کنترل غرائز، پیشروان و رهبران، اگر ما تربیت و تعلیم نداشته باشیم، تربیتی که انبیا آورده اند بسرای اینک غیر انبیا راه را نمی دانند، با الان یک راهی را داریم قهر آمی رویم خودمان هم ملتفت نیستیم و آن راهی که انبیا بنزای ما آوردند که از آن راه باید بروید آن صراط مستقیم که منتهی می شود به آنجائی که مشاهدا دیگر الان نمی توانیم ادراک بکنیم، این را انبیا آورده اند، مکتب غیر انبیا اصلاً اطلاع از ماوراء طبیعت ندارد، هر چه مکتب هست همین طبیعت است، مکتب انبیا است که ماوراء طبیعت را هم طرح می کنند. در مکتب های دیگر اصلاً طرح نمی شود ماوراء الطبیعه، بله می گویند دروغ است، یک آدمی که اصل نمی داند ماوراء طبیعت چیست، همین طور نشسته توی خانه اش و می گوید نخیر، نیست. انبیا می دانند راه چه هست، از کجا باید رفت، چه جوری باید رفت، زاهی است که تا به وسیله انبیا و تعلیمات انبیا نباشد، انسان نمی تواند به مقصدش برسد. از راه مستقیمی که انسان را به مقصد می رساند اگر راه انبیا نباشد معوج می شود یا این طرف می رود یا آن طرف می رود. انبیا هستند که ما را به راه مستقیم هدایت می کنند و کیفیت تربیت و تعلیمی که برای آن عالم هم باشد، هم این عالم و هم آن عالم، نه اینکه انبیا به این عالم کاری ندارند، این عالم هم با هر چیزی که بگوئید، آنها منافی و مخالف با آن نیستند، مخالف با دل بستن به دنیا هستند، این دو تا اشتباه می شود. آنهایی که می خواهند عیب گیری کنند می گویند که با همه تمدن ها مخالف است، اسلام با همه تمدن ها مخالف است. این اشتباه است، اسلام با هیچ تمدنی مخالف نیست، اسلام یک تمدنی را ایجاد کرد، ششصد، هفتصد سال یک دنیا را تقریباً اکثر معموره را چیز کرد، با اینکه باز اسلام نبود درست. با تمدن، اسلام مخالف نیست، با دلبستگی و منحذود شدن مخالف است که همه آمال و آرزوی ما همین باشد، همه هم ما همان علفمان باشد، تمام همت ما این باشد که خوب بخوریم، خوب بخوابیم و خوب شهوات، دلبستگی را مخالف است. این هم انسان علفش باشد یا الفش باشد، با این مخالف است اسلام. تمدن به اعلی مرتبه، مهار، مهار در معنویت. همه مظاهر تمدن را انبیا قبول دارند لکن مهار شده، نه مطلق و رها. شهوات را جلویش را نگرفتند، جلوی اطلاعاتش را گرفتند، جلو رهائی و آزادی را گرفتند. یک کسی، در همان زمان های سابق به یک ظریفی که از آشنایان ماست راجع به امور جنسی گفته بود که فلان، این حل شده. این گفته بود این را در صدر خلقت، خرها حل کرده بودند. آن آزادی که شما می گوئید که حل شده همان است که حیوانات در صدر خلقت آزاد بودند. انبیا آمدند این آزادی را جلویش را بگیرند والا اصلش را مخالف نیستند.

دعوت هم به آن کرده الله، این دعوت به ازدواج، ایشقر تعریف از ازدواج برای اینکه هم ازدواج بشود هم انحراف نماند. از این مراکز فساد و فحشا انبیا جلو گیری می کنند، نه از اصل شهوات، اصل شهوات طبعی است و باید هم کار خودش را انجام بدهد اما حدود دارد. اگر تربیت و تعلیم آنطور که انبیا و نوح تربیت انبیاست تحقق پیدا نکند، انسان، هم اینجایش صحیح می شود و روی یک نظریه تحقق پیدا می کند و این آکل و ناکول و این تعدیات و این تجاوزها و این اختلاف های طبقاتی پیدائی می شود و هم آن طرف، که عمده آن طرف است، آن حیات جاویدی که آخر ندارد، هم آن طرف تأمین می شود. کوشش کنید که شما که حالا منتسب به ولی امیر سلام الله علیه هستید، مکعب ولی امیر را به آن توجه کنید که برای تعلیم و تربیت این انسان است که از حد حیرانیت برساندش به حد انبیا و رزید انسانی پیدا کند و تربیت های انسانی پیدا کند و تعلیمات، تعلیمات صحیح باشد.

خدایند همه شما را انشاء الله موفق بخدارد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبركاته